

Receive Date:
6/6/2023

Accept Date:
20/9/2023



**Research
Article**

Vol.20, No.2, Serial 38

Autumn & Winter
2023-24

pp.: 88-103

Investigating The Methods Of Teaching Philosophy To Teenagers (By Emphasizing Three Different Approaches In This Field)

DOI: 10.22070/TLR.2024.18549.1520

Elham Sheykhshamani¹, Mahdi Mahmodi^{2*}, Mohammad Sarmadi³,
Hamid Maleki⁴

1. *Phd student of Payam Noor university of Tehran, Iran.
Email: m.mohammadi91@aut.ac.ir*
2. *Associate Professor of Payam Noor university of Tehran, Iran.
(Corresponding Author)
Email: mahmodi86@gmail.com*
3. *Professor of Payam Noor university of Tehran, Iran.
Email: sarmadi@pnu.ac.ir
Associate Professor of Payam Noor university of Tehran, Iran.
Email: malki24@gmail.com*

Abstract

Considering the importance of teaching philosophy to teenagers, the purpose of this research is to study and examine the methods of teaching philosophy to teenagers. This research investigates the methods of teaching philosophy to teenagers in secondary school by using the qualitative research method of documentary studies. According to different approaches in the field of teaching philosophy to teenagers, in this research the methods of teaching philosophy to teenagers have been examined in three approaches. Exploratory, collective exploration, discussion, Community of inquiry and question and answer, and in Australia according to Philip Cam, the methods include: story, use of question, Community of inquiry, group discussion and dialectic; and according to Millet, it includes: Community of inquiry and images. And in France, according to Bernafier, it has included the use of questions to start a discussion, Socratic dialogue, and Community of inquiry, and in England, according to Fisher, Garrett Matthews, Sutcliffe, it includes: stories, Community of inquiry, group discussions, plays, role playing, music, handmade things and objects, is a Socratic dialogue. Also, the results of this research show that all three approaches use the methods of philosophical stories, collective exploration, hive-exploration circles, and question and answer, and their differences, especially in the first approach, philosophical stories are used to start the discussion, but in the second approach uses a philosophical question as a starting point.

Keywords: philosophy for teenagers, methods of philosophy for teenagers, secondary school, approaches

بررسی روش های آموزش فلسفه به نوجوانان (با تاکید بر سه رویکرد مختلف در این زمینه)

DOI: 10.22070/TLR.2024.17722.1426

فرناز فرمهینی فراهانی^{۱*}، خدیجه فتحی جهانشاهی^۲

۱. دانشجوی رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علوم و تحقیقات. (نویسنده مسئول)

Email: farmahinifar@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت.

Email: s.fathi.7272@gmail.com

چکیده

با توجه به اهمیت آموزش فلسفه به نوجوانان، هدف این پژوهش مطالعه و بررسی روش های آموزش فلسفه به نوجوانان است. این پژوهش با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع مطالعات اسنادی به بررسی روش های آموزش فلسفه به نوجوانان در دوره ی متوسطه می پردازد. با توجه به رویکرد های مختلف در زمینه ی آموزش فلسفه به نوجوانان، در این پژوهش روش های آموزش فلسفه به نوجوانان را در سه رویکرد مورد بررسی قرار گرفته است. در رویکرد اول روش ها در امریکا از نظر لیمن و شارپ شامل داستان، روش اکتشافی، کاوش جمعی، مباحثه، ایجاد حلقه های کندو کاو کلاسی و پرسش و پاسخ است و در استرالیا از نظر فیلیپ کم روش ها شامل: داستان، استفاده از سؤال، اجتماع پژوهشی، بحث گروهی و دیالکتیک؛ و از نظر میلث شامل: اجتماع پژوهشی و تصاویر است. و در فرانسه از نظر برنیفر شامل استفاده از سؤال برای شروع بحث، گفتگوی سقراطی، و اجتماع پژوهشی بوده است و در انگلستان از نظر فیشر، گرت متیوز، ساتکلیف، شامل: داستان، حلقه های کندو کاو، مباحثه گروهی، نمایشنامه، ایفای نقش، موسیقی، چیز های دست ساز و اشیاء، گفتگوی سقراطی است. همچنین نتایج این پژوهش نشان می دهد که هر سه رویکرد از روش های داستان های فلسفی، کاوش جمعی، حلقه های کندو کاو و پرسش و پاسخ استفاده می کنند و تفاوت آنها بویژه در رویکرد اول از داستان فلسفی برای شروع بحث استفاده می شود ولی در رویکرد دوم از پرسش فلسفی به عنوان سرآغاز استفاده می شود.

نشریه علمی

پژوهش های آموزش و یادگیری

دوره ۲۰، شماره ۲، پیاپی ۳۸
پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صص: ۸۸-۱۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

مقاله پژوهشی

Journal of

Training & Learning Researches

Vol.20, No.2, Serial 38

Autumn & Winter
2023-24

pp.: 88-103

کلیدواژه ها: فلسفه به نوجوانان، روش های فلسفه به نوجوانان، دوره ی متوسطه، رویکرد ها

مقدمه

تعلیم و تربیت به عنوان رکنی اساسی در زندگی انسان ها، همواره به عنوان وسیله ای مؤثر در پاسخگویی به نیازها و ضروریات مکان و زمان مطرح بوده است. جامعه ی جهانی امروز، در دوران پیچیده و پر شتاب "انقلاب اطلاعاتی" (انفورماتیک)، با مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی بسیاری رو به رو می باشد. برای مقابله ی صحیح و به موقع با آنها به تعلیم و تربیتی مناسب با این زمان نیاز داریم [۱]. از آن جا که آموزش انتقال نتایج تفکر است؛ اما تفکر خلاق آغاز کار است، مانند چشمه ای است که در گوشه ای از زمین می جوشد و بیرون می آید. معلم و مربی این چشمه ی جوشان را در جوی و جدول منظمی هدایت می کند و به مزرعه ی تشنه می رساند. اما آب، نخستین بار از چشمه جوشیده است و جوی و جدول مولد آب نیست. منشأ علم نیز تفکر است و اگر افرادی را تربیت کنیم که ذاتاً قادر به تفکر باشند مولد علم خواهیم شد. [۲] یکی از موفق ترین تلاش ها، در جهت ایجاد برنامه ای منسجم در آموزش تفکر، برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان است که توسط ماتیو لیپمن و همکارانش در دانشگاه مونترکلر (ایالات متحده) تهیه شده است. این طرح به منظور فراهم کردن برنامه تحصیلی در زمینه ی کاوش فلسفی برای کودکان و نوجوانان از سطح کودکان تا دانشگاه تهیه شده و در سطح تعداد روز افزونی از کشورهای جهان استفاده می شود [۳]. فلسفه برای نوجوانان معتقد است که با فلسفه می توانیم دنیایی شاد، سرحال، کنجکاوانه و خلاق به دانش آموزان عرضه کنیم. و نوجوانان از طریق گفت و گو با همدیگر در کلاس درس، به ایده ها و سؤالات تازه می رسند. این همان چیزی است که سقراط طرح کرده بود و بشر مدت ها از آن غفلت کرده است. [۴]. برخی از اهداف عملیاتی فلسفه برای کودکان عبارتند از: ۱) عادت کردن به احترام به عقاید یکدیگر- ۲) کاهش یافتن تسلیم خام و بی چون و چرا در مقابل هر عقیده ای ۳) دستیابی به قواعد منطقی استدلال ۴) مهم بودن دستیابی به ماهیت مفاهیم ۵) مهارت در تبدیل مشکلات به مسایل قابل حل ۶) تلقی کردن فعالیت ها به عنوان تفریحی لذت بخش ۷) انتقاد پذیر شدن کودکان و پذیرش رد عقایدشان به صورت مستدل- ۸) بهبود توانایی تعقل، پرورش خلاقیت، رشد فردی و بین فردی [۵]، که در فلسفه بر ای نوجوان هم این اهداف با شدت بیشتری از اهمیت برخوردار است. فلسفه به نوجوانان، تلاشی است برای بسط فلسفه، با این هدف که بتوان آن را همانند نوعی آموزش به کار برد. این فلسفه، آموزشی است که در آن از فلسفه برای واداشتن ذهن نوجوان به کوشش در جهت پاسخگویی به نیاز و اشتیاقی که به معنا دارد، بهره

برده می شود [۶]. اما چرا فلسفه برای نوجوانان، یکی از دلایل این است که خلا طرح مباحث فلسفی در رابطه با فلسفه به نوجوانان بویژه رو شهای آن در کشورمان مشهود است. وقتی واژه فلسفه به کودکان مطرح می شود، عمدتاً کودکان مد نظر هستند نه نوجوان، مرور شواهد پژوهشی هم حاکی از این است که در این حوزه کار اساسی صورت نگرفته است این دوره - که معمولاً بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی را شامل می شود- از نظر تربیت دوره ی نسبتاً حساس زندگی و یکی از بحرانی ترین مراحل آن می باشد. نوجوان نیازمند به فهم فلسفه زندگی است ضمن این که توجه به ارزش ها و شکل گیری مفاهیم ارزشی و تمایل به فضیلت و خیرخواهی از سن نوجوانی آغاز می گردد. نوجوانان داشتن نوعی فلسفه زندگی را برای خود ضروری می یابند، احساس می کنند درباره طبیعت و معنی وجود انسان و حتی خود نیازمند پاسخ به پرسش هایی هستند نوجوانان در صدد دستیابی به یک کلیت و فلسفه جامع برای پاسخگویی به نیاز های روحی و فکری شان می باشند. با توجه به همزمانی آموزش فلسفه به نوجوانان با دوره دبیرستان، اهمیت دوره ی متوسطه و لزوم بکارگیری روش هایی که نوجوانان را به فکر کردن ترغیب کند، بیشتر محسوس است. در این پژوهش روش های آموزش فلسفه به نوجوانان را با توجه به سه رویکرد در دوره جوانی که با دوره ی متوسطه تقارن دارد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت دوره ی نوجوانی از پایان دوره ابتدایی تا پایان متوسطه را در بر می گیرد. با توجه به اهمیت دوره ی متوسطه و اینکه این دوره مانند پلی بین آموزش های عمومی و عالی ارتباط برقرار می کند و افراد را برای ورود به جامعه و بازار کار آماده می کند. تعلیم و تربیت این دوره و پرورش افرادی خلاق که از قوه ی تفکر و استدلال بالایی برخوردار باشند اهمیت دارد. اگر نوجوانان را برای فکر کردن تربیت کنیم، آنها را از مصرف کننده ی افکار دیگران به تولید کننده ی فکر بدل می کنیم. همه ی پیشرفت هایی که در طول تاریخ در علم و فرهنگ پدید آمده است به تفکر باز می گردد. آموزش انتقال نتایج تفکر است؛ اما تفکر خلاق آغاز کار است، مانند چشمه ای است که در گوشه ای از زمین می جوشد و بیرون می آید. معلم و مربی این چشمه ی جوشان را در جوی و جدول منظمی هدایت می کند و به مزرعه ی تشنه می رساند. اما آب، نخستین بار از چشمه جوشیده است و جوی و جدول مولد آب نیست. منشأ علم نیز تفکر است و اگر افرادی را تربیت کنیم که ذاتاً قادر به تفکر باشند مولد علم خواهیم شد [۲] بررسی شواهد پژوهشی و مرور پیشینه نشان داد پژوهش مستقلی در رابطه روش های فلسفه به نوجوانان انجام نشده است. اما تحقیقاتی که فلسفه برای کودکان را مورد

"کندی" در مقاله ای تحت عنوان « اجتماع پژوهشی و ساختار تحصیلی » در تأیید نظر لیپمن مبنی بر این که انجام فلسفه نیاز مند گفت وگو، دیالوگ و اجتماعی است که با نیازمندی های کلاس سنتی انطباق ندارد» جهت ایجاد آن در اجتماع پژوهشی مدل جدیدی ارائه می دهد. او پنج ویژگی را با عناوین زیر برای مدل خود بر می شمارد:

۱- توسعه گرا است.

۲- محیطی است.

۳- فردی است.

۴- تعاملی است.

۵- گفت وگو محور است [۱۵].

آیف پرندر گاست (۲۰۱۴) در مقاله ای یادگیری بر مبنای کاوشگری در مطالعات اجتماعی فراتر بودن یادگیری دانش آموزان بر مبنای کاوشگری را تأیید کرد. [۱۶] مارگارت شارپ (۱۹۹۳) در مقاله ای بر روی اجتماع پژوهشی کلاس درس به عنوان وسیله ای آموزشی برای تقویت حس اجتماع که پیش شرطی برای مشارکت فعال در یک جامعه دموکراتیک است، تمرکز می کند. او معتقد است چنین اجتماعی مهارت های گفتگو، پرسش، تفکر تاملی و قضاوت خوب را پرورش می دهد. [۱۷] در پژوهش های انجام شده ی داخلی و خارجی عمدتاً به بررسی آموزش فلسفه به کودکان در مقطع ابتدایی و تا حدودی راهنمایی پرداخته شده و کمتر به آموزش این برنامه در مقطع متوسطه پرداخته شده است. با توجه به اینکه دوره نوجوانی یکی از دشوارترین، حساس ترین، تنش زا ترین، و در عین حال هیجان انگیز ترین دوره های زندگی هم برای خود نوجوان وهم مربیان و والدین به شمار می رود، باید با برنامه ریزی و هوشیاری دقیق نسبت به تعلیم و تربیت و مراقبت از آنان اقدام کرد. برنامه ی «فلسفه برای نوجوانان» برنامه ی درسی مربوط به دوران قبل از دانشگاه است و اولین هدف آن اصلاح وضعیت تفکر در مدارس و وارد کردن عنصر اندیشه به درون نظام آموزشی است. در مرحله ی بعد بار آوردن شهروندانی معقول، « خودمنتقد» و حساس در برابر محیط مد نظر قرار می گیرد. گرچه کاربرد فلسفه در فرایند آموزش دانش آموزان سابقه ای پنجاه ساله دارد و به دنبال مهارت های سطح فکری بالاست و در چند سال اخیر توسط پژوهشگران مختلف در بوته آزمایش های مختلفی قرار گرفته و در زمینه ها و موضوعات مختلف مورد اقبال واقع شده است اما هنوز نتوانسته است در نظام آموزشی-بویژه برای نوجوانان - جایی

بررسی قرار داده و به طور غیر مستقیم با موضوع تحقیق مرتبط است، مواردی اشاره خواهد شد. "مرعشی" در پژوهش خود به این نتیجه رسید که اجرای روش اجتماع پژوهشی در کلاس درس می تواند بر پژوهش مهارت های استدلال دانش آموزان تاثیر مثبتی بگذارد [۷] "جهانی" در پژوهش خود به این نتیجه رسید که تشکیل اجتماع پژوهشی در برنامه درسی فلسفه برای کودکان دارای محدودیت هایی است. او با استناد به نظر کواین^۱، والکر^۲ و صاحب نظران فلسفه علم نظیر کوهن^۳ که معتقدند فعالیت های پژوهشی باید بر پایه نظریه شکل گیرد و نظریه در مقام و جایگاهی فراتر از پژوهش قرار می گیرد، استدلال می کنند در دیدگاه لیپمن به این نکته اشاره نشده است. به نظر او لیپمن توجه زیادی به پرورش مهارت های عقلانی دارد و از جنبه عاطفی آن صحبتی به میان نیامده است. [۸] قائدی در رساله دکتری با عنوان « نقد و بررسی مبانی، دیدگاهها و روش های آموزش فلسفه به کودکان » سوالات را از دو منظر بعد معرفت شناختی و اصول برنامه ریزی درسی مورد بررسی قرار داده است. [۹] در پژوهش کریمی (۱۳۸۲)، این نتیجه حاصل شده که کودکان نسبت به بزرگسالان در آموزش فلسفه مرجح ترند چرا که اسباب فلسفه پرسیدن و تعجب کردن است که در کودکان به وفور یافت می شود. [۱۰]. حسینی، مجتبی و همکاران، در مقاله ای پژوهشی با عنوان « بررسی تأثیر روش تدریس کاوشگری علمی بر رشد دانش فرا شناختی دانش آموزان نشان دادند که تدریس کاوشگری علمی بر رشد دانش فرا شناخت دانش آموزان به طور کلی در سه مؤلفه دانش شخص، دانش تکلیف و دانش راهبرد تأثیر داشته است. [۱۱] "دانیل"^۴ در تحقیقی به بررسی برنامه فلسفه برای کودکان و اثرات آن بر تفکر انتقادی دانش آموزان پرداخت. نتایج نشان داد گروههای کنترل در مهارتهای تفکر انتقادی عملکرد بهتری داشتند. [۱۲]. "اسپرود"^۵ نشان داد وقتی از روش اجتماع پژوهشی در آموزش علوم استفاده شد گروه تجربی به طور معنی داری نسبت به گروه کنترل در آزمون استدلال علوم از خود عملکرد بهتری نشان داد [۱۳] نتایج تحقیق "مالمستر"^۶ نشان داد که دانش آموزان گروه تجربی که در کلاس های آموزش فلسفه شرکت کرده بودند در آزمون های مختلف پیشرفت تحصیلی تفاوت معنی داری با دانش آموزان گروه کنترل داشتند و در زمینه های مختلف از جمله، آزمون پیشرفت تحصیلی ریاضی، آزمون استدلال نیوجرسی و آزمون خواندن عملکرد بهتری داشتند. [۱۴].

⁴ Daniel

⁵ Sprud

⁶ Malmhester

¹ Covain

² Walker

³ Cohen

سپس در هر طبقه‌ی عام طبقات زیرمجموعه‌ای (طبقات خاص) ایجاد شد که متناسب با نیاز پژوهش بکارگیری شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و مفهومی صورت گرفته است. داده‌ها ی گردآوری شده، با توجه به اهداف و سوالات تحقیق تنظیم، سازماندهی، طبقه‌بندی و کد گذاری گردید.

یافته‌های پژوهش

در رابطه به پاسخ به سوال اول پژوهش یعنی روش های آموزش فلسفه به نوجوانان مبتنی بر رویکرد امریکایی-استرالیایی: مهمترین فرد در این رویکرد لیپمن است. البته افرادی مثل مارگارت شارپ و پیروانی همچون فیلیپ کم از استرالیا در این رویکرد قرار می‌گیرند. روش کار در این رویکرد به این شکل است که مدارس با بهره‌گیری از داستان های فلسفی نوشته شده توسط «لیپمن» به کنکاش در موضوعات مطرح شده در داستان ها به منظور آمادگی دانش آموزان برای زندگی آینده می‌پردازند. لیپمن دو جلسه ی یک ساعته را برای یک درس فلسفه پیشنهاد می‌کند. که شامل خواندن ماجرای از داستان های خود اوست و به دنبال آن پرسش هایی از طرف دانش آموزان مطرح می‌شود. پس از انتخاب یک بحث، دانش آموزان به مباحثه ی فلسفی در کلاس درس روی می‌آورند [۱۹]. در طرح آموزش فلسفه به نوجوانان به سبک لیپمن، ابتدا یک سناریو به نوجوانان ارائه می‌شود و آنها در قالب گروه های پژوهشی محتوا، روش ها، پیش بینی ها، پیامد ها و آثار رخداد ها و اتفاق ها را بررسی می‌کنند. آنچه در این باره جالب است ایجاد فضای پژوهشی روحیه مدار، تحمل، سازگاری در پذیرش دیگران و آمادگی برای مقابله با چالش ها و نظریه های گوناگون است که افراد طرح کرده اند. منظور از سناریو، ایجاد موقعیت های مبهم است که با ارائه ی یک داستان یا مضمون فلسفی بوجود می‌آید. بعد از ایجاد موقعیت های مسأله دار نوجوانان راه حل ها را جستجو می‌کنند و با ارائه ی چند فرضیه و یا راه حل موقت پژوهش را انجام می‌دهند. این برنامه طیف گسترده ای از مسائل مثل مفاهیم اخلاقی، آموزش منطق، مفاهیم متدولوژی، قیاس، استقرا، روش حل مسأله و شیوه های پژوهش را در بر می‌گیرد. بهره‌گیری این برنامه از شیوه های آموزش اکتشافی و پژوهشی و غوطه ور کردن نوجوانان در فرایند پژوهش از ویژگی های ممتاز این برنامه است [۲۰]. مطالعه تجربی و مستمر به لیپمن نشان داد که آموزش از طریق متون داستانی رمان، قصه کوتاه روش کارایی برای فلسفی بار آور دن کودکان و نوجوانان است. [۱۸]. لیپمن معتقد است که فلسفه باید به عنوان نقطه ی مرکزی

برای خود باز کند با توجه به این که در پژوهش های قبلی کمتر به این موضوع پرداخته شده است.

هدف اساسی پژوهش حاضر شناسایی روش های مناسب آموزش فلسفه به نوجوانان در برنامه درسی دوره متوسطه و در این راستا سه سوال زیر مطرح است؟

- ۱- روش های آموزش فلسفه به نوجوانان مبتنی بر رویکرد امریکایی-استرالیایی کدامند؟
- ۲- روش های آموزش فلسفه به نوجوانان مبتنی بر رویکرد فرانسوی کدامند؟
- ۳- روش های آموزش فلسفه به نوجوانان مبتنی بر رویکرد انگلیسی کدامند؟

روش پژوهش

نوع تحقیق کیفی است. مفاهیم در تحقیق کیفی نقش محوری دارند و معمولاً اهداف اصلی چنین تحقیقی تحلیل نظری است، از این رو نمونه‌گیری در تحقیق کیفی را نمونه‌گیری مفهومی یا نمونه‌گیری نظری می‌نامند. در این پژوهش با کمک روش اسنادی، رویکردها و روشهای آموزش فلسفه به نوجوانان ذیل آن تعیین گردید. از این رو این رویکرد ها از نظر نسبتشان با برنامه درسی به سه دسته قابل تفکیک هستند. دسته ی اول: رویکرد هایی که برنامه فلسفه برای نوجوانان را به صورت یک واحد درسی مستقل قرار می‌دهند. در این طیف کشور امریکا و استرالیا و چند کشور دیگر قرار دارند. دسته دوم: رویکرد هایی که برنامه ی فلسفه برای نوجوانان را نه به عنوان یک واحد درسی مستقل، بلکه به صورت جاری کردن روح فلسفی و استدلالی در کل برنامه های درسی مد نظر داشتند؛ که در این طیف نیز کشور فرانسه قرار دارد. دسته ی سوم: رویکرد هایی که برنامه ی فلسفه برای نوجوانان را به صورت ترکیبی از دو دسته قبل، یعنی هم به عنوان واحد درسی مستقل و هم به عنوان جاری شدن آن در کل برنامه های درسی می‌دانند که در این طیف کشور انگلستان قرار دارد. جامعه پژوهشی شامل تمام منابع دست اول و مرتبط با فلسفه برای نوجوانان بود. به علت آثار متنوع و گسترده صاحب نظران در این حوزه، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند آن آثاری که با فلسفه برای نوجوانان سازگاری داشت و با بارویکردهای استخراج شده پژوهش مطابقت داشت به عنوان نمونه تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها، فرم فیش برداری است. منابع کتابخانه‌ای، سایت‌ها، پایان نامه‌ها، مقاله‌ها و گزارش‌های مرتبط با موضوع پژوهش به این شکل مورد بررسی قرار گرفته است. فیش‌های گردآوری شده ابتدائاً در رایانه و در طبقات عام دسته‌بندی شدند.

می‌شود. این فضای مشارکت مثبت جانشین فضای رقابتی و نیمه خصمانه‌ای می‌شود که در بسیاری از کلاس‌های دوران کودکی گذشته رواج داشت. ویژگی خاص حلقه‌های کندوکاو عبارت‌اند از: تأمل و تعمق غیرخصمانه، شناخت‌های مشترک، ایجاد و بالابردن سواد، فرهنگ و تخیل فلسفی، تقویت توانایی مطالعه و درک عمیق متون بر اساس دیالوگ (گفت‌وگو) و لذت بردن از آنها؛ و حلقه کندوکاو برای تأمین همین اهداف طراحی شده است. برای اینکه آموزش در مدارس به کندوکاو تبدیل شود باید ابتدا تردید و شکی در این فرض به وجود بیاید که همه چیز [در کتاب‌های درسی به دقت] ثبت شده‌اند و جای هیچ‌گونه تحقیقی وجود ندارد. تردید در اینکه همه چیز مرتب است و سر جای خود قرار دارد، یعنی گامی به سمت پذیرش این مطلب که قبول امری با مشکل همراه است و در پذیرش آن مسئله‌ای وجود دارد (محمدی لاری، بیتا). لیپمن سبک خود را ابتدا با تغییر وضعیت فیزیکی و طرز نشستن دانش‌آموزان آغاز می‌کند. برای ایجاد مشارکت فعال بهترین وضعیت این است که کودکان به شکل دایره بنشینند. هدف مربی این است که بحث میان دانش‌آموزان را تسهیل کند و ترتیب نامناسب نشستن، بسیار دشوار خواهد ساخت که وی خود را از مرکز بحث خارج کند [۲۴]. در فلسفه برای نوجوانان، دانش‌آموزان در یک اجتماع پژوهشی درگیر تدوین و کشف سؤالات در یک دیالوگ مشترک سقراطی هستند. در کلاس‌های بزرگ می‌توان با تقسیم کلاس به گروه‌های کوچکتر این کار را انجام داد. برای ایجاد اجتماع پژوهشی دانش‌آموزان باید به صورت دایره وار بنشینند بطوری که همه‌ی آنها با یکدیگر بتوانند تعامل داشته باشند و شامل نشستن و گوش دادن احترام‌آمیز است و معلم هم نقش تسهیل‌کننده را دارد [۲۳]. لیپمن یادآوری می‌کند که سقراط، شاخص روش و حرکت اوست. اما تأکیدش به جای گفت‌وگوی دو نفره (آن‌گونه که سقراط انجام می‌داد) بر گفت‌وگوی جمعی است. او گفت‌وگو را به عنوان ابزاری قدرتمند برای تیز کردن تفکر بچه‌ها و زایش ایده‌های آن‌ها و آشکار شدن حقایق می‌داند. او معتقد است یادگیری علم گفت‌وگو، گوش دادن با دقت، ارزیابی بحث‌ها برای صحت و ثبات، دلایل خوب آوردن برای نظر دیگران، احترام به افراد و ارزش قائل شدن به عقاید و تفکرات شان، در یک گفت‌وگوی جمعی موجب می‌شود که تفکر به سرعت توسط هر کودکی در یک اتاق فکری داخلی درونی شود. گام بعدی نوع خواندن داستان‌ها در کلاس است. لیپمن در این باره می‌گوید: شاگردان قسمت تعیین شده‌ی کتاب را با صدای بلند می‌خوانند. البته نه بیشتر از یک

در برنامه‌ی درسی مدارس از ابتدایی تا متوسطه قرار گیرد. در واقع از طریق سؤالات فلسفی، می‌توان مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان را توسعه داد. همچنین او ادعا می‌کند که فلسفه می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا درک بهتری از تجارب آموزشی خود داشته باشند [۲۱]. لیپمن می‌گوید: اگر بخواهیم کودکانمان در آینده به بزرگسالانی اندیشمند تبدیل شوند، باید آنها را تشویق کنیم تا کودکانی اندیشه‌ورز باشند و برای رسیدن به این هدف باید آنها را به بحث کردن تشویق نماییم. به همین دلیل بخش مهمی از فلسفه برای کودکان و نوجوانان شامل گفتگوهای اندیشمندان و شوق انگیز است. [۳]. در این روش، رویکرد اکتشافی^۱ مدنظر است و به دنبال آن، کاوش جمعی^۲ در کلاس صورت می‌گیرد. از گفتگوی سقراطی بعنوان روش کار نام برده می‌شود. در این روش، لیپمن از سقراط و دیگر فیلسوفان پراگماتیست تأثیر پذیرفته است. لیپمن معتقد است که برنامه فلسفه برای کودکان تنها برنامه‌ای است که با انجام فلسفه به روش مباحثه ملزومات رشد اخلاقی دانش‌آموزان را تأمین می‌کند و این با درگیر کردن کودک در کاوشگری اخلاقی که مستلزم تفکر نقادانه و خلاقانه است میسر می‌شود. [۲۲] بر این اساس یکی از اهداف این برنامه تأمین رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان دانسته شده است. تحقق این اهداف و فراگیری بسیاری از مهارت‌های ذکر شده و نیز ایجاد تمایل برای استفاده از این مهارت‌ها از طریق زبان و با ایجاد یک «اجتماع پژوهشی»، جایی که کودکان به عنوان اقدامی مشارکتی به تبادل نظر با همدیگر می‌پردازند به بهترین شکل ممکن امکان‌پذیر است. [۷] در توضیح عبارت "اجتماع پژوهشی" یا حلقه کندوکاو که به عنوان روشی غالب در این برنامه است می‌گوید در چنین اجتماعی دانش‌آموزان با یکدیگر با احترام متقابل رفتار می‌کنند، رفتار یکدیگر را رشد می‌دهند، نظراتشان را با استدلال بیان می‌کنند، با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند، فرضیات یکدیگر را مورد سؤال قرار می‌دهند و به عبارتی کلاس درس را به محیط بحث و گفت‌وگو و تبادل نظر تبدیل می‌کنند. [۲۳]. در واقع، در فلسفه به نوجوانان، به عنوان آخرین دستاورد پارادایم تأملی که در آثار جان دیویی، لیو ویگوتسکی و برخی از فلاسفه دیگر ریشه دارد، شامل چند عنصر جدید یا تغییر یافته است که عبارت‌اند از «اجتماع پژوهشی یا حلقه کندوکاو»، «کتاب‌های درسی داستان» و «معلمان تغییر نقش داده». برای اینکه محور آموزش و پرورش تحقیق و کندوکاو باشد، لازم است کلاس‌های درس به حلقه یا انجمن تبدیل شوند که در آن رابطه دوستی و همکاری جهت مشارکت مثبت در فضای آموزشی استقبال

² Community of inquiry¹ discovery approach

توسط جامعه کاوشگر (بچه‌های کلاس) تنظیم شده و سپس بچه‌ها آزادانه راجع به سؤالات به بحث می‌پردازند قوانین بحث می‌تواند رعایت سکوت، رعایت نوبت، بلند و رسا صحبت کردن، سخن کسی را قطع نکردن و ... باشد. معلم تا آنجا که ممکن است در بحث شرکت نکرده و تنها بحث را هدایت می‌کند تا به بیراهه نرفته و از مقصود اصلی دور نشود. معلم تا آنجا که می‌تواند در باره سؤالات، جواب قطعی نمی‌دهد و پاسخ را به عهده بچه‌ها گذاشته و فرصت می‌دهد تا آنها اظهار نظر کنند. او بچه‌ها را آگاه می‌کند که برای ما فرایند بحث گروهی (کاوش جمعی) مهم است و نه رسیدن به جواب. بچه‌ها باید تشویق شوند تا درباره اظهارات خود مسئولیت پذیر باشند و از گفته‌های خود با استدلال، دفاع کرده و بدانند که گاه پاسخ سؤالات آنها در سؤالات خود یا دیگران است. در ادامه، کار معلم ارزیابی شده، اشکالات کار را مشخص نموده و موجب می‌شود معلم در رفع آنها تلاش نماید، به طور خلاصه روش تدریس عبارتست از:

- ۱- طرح سؤال
- ۲- توضیح و بازگویی
- ۳- هماهنگی بحث
- ۴- ارائه دلیل
- ۵- خواستن دلیل
- ۶- تنظیم معیار و استفاده از آن
- ۷- خود تصحیحی (ارزیابی)
- ۸- حفظ ارتباط بحث با بحث اصلی [۲۶].

انجمن پرس و جو را یک گروه و از نوجوانان تشکیل می‌دهند که درباره مسائل عمومی و گیج کننده از یک دیگر سوال می‌پرسند، دلیل ارایه می‌دهند، مثال می‌زنند، درباره پیش فرض‌ها و استنتاج‌هایشان سوال می‌کنند، یکدیگر را تشویق می‌کنند تا دلایل بهتری برای نظریاتشان ارایه دهند، مراحل‌های مختلف برای مشکل مورد بحث پیشنهاد می‌کنند، به عنوان یک شخص به یکدیگر احترام می‌گذارند و پرس و جو را تا هنگامی که به نتیجه رسد دنبال می‌کنند. کودکان با کار گروهی آشنا می‌شوند تا این که همواره بر افکار خودشان اصرار ورزند. آنها رفته رفته یاد می‌گیرند چگونه با یکدیگر مفاهیم را شکل دهند و خود را در قبال بازسازی خودآگاه جهان بینی اشخاص مسوول بدانند. این امر مفاهیم فلسفی را شکل داده و آن را دوباره سازی می‌کند به طوری که جهان بینی شخص بخش دشوار پرس و جوی جمعی تلقی می‌شود. انجمن پرس و جوی کلاس نوجوانان را قادر می‌سازد آنچه را که شبیه به زندگی در یک بافت احترام آمیز دوطرفه، گفت و گوهای روشمند و پرس و جوی جمعی بدون تقلب و استبداد است را تجربه کنند.

پاراگراف در هر بار (توزیع یکسان وقت در میان دانش آموزان نباید فراموش شود). مهمترین بخش کلاس طرح پرسش درباره ی داستان و مباحثه ی دانش آموزان درباره ی آن است وی می‌گوید: وقتی قرائت یک پاراگراف تمام شد، معلم با این سؤالات شروع می‌کند: آیا در این متن چیز مبهمی برای شما وجود دارد؟ آیا می‌توانید احساس خودتان را در قالب یک پرسش بیان کنید؟ سپس معلم پرسش هر دانش آموز را روی تخته سیاه می‌نویسد و اسم دانش آموز را به همراه شماره ی صفحه و شماره ی سطر مورد بحث در کنار آن یادداشت می‌کند. بعد از آن می‌پرسد چه کسی می‌خواهد بحث را آغاز کند. دست‌ها بالا می‌رود و معلم یکی از دانش آموزان را انتخاب می‌کند تا در مورد سؤالات نوشته شده روی تخته سیاه بحث را شروع کند. در لحظه ی مناسب، ممکن است معلم، تمرینی را در خصوص آن موضوع از کتاب کمک آموزشی مطرح کند و فرض کنید سؤال شبیه این باشد «آیا هری و بیل دوست هم هستند؟» به زودی دانش آموزان شروع به درک این نکته خواهند کرد که مفهوم دوستی، مبهم یا دو پهلوست و یا هر دو ایراد را دارد. بدین ترتیب معلم می‌تواند بحثی را در زمینه ی ماهیت دوستی مطرح کند. بی‌گمان دانش آموزان استلزام‌های اخلاقی رابطه ی دوستی را مورد توجه قرار می‌دهند. بدین طریق، دانش آموزان با مفهوم دوستی آشنا و درگیر می‌شوند و پیشرفت کار می‌تواند آنها را نه تنها در فلسفه، بلکه در تمامی مطالعاتی که در آنها با مفاهیمی سرو کار دارند کمک کند. این روشی است که فکر آنها را برمی‌انگیزد و تا زمانی که قابلیت نقادی و خود انتقادی را در آنها پدید نیآورد، آرام نمی‌گیرند و این به نوبه ی خود، آنها را به خود اصلاحی سوق می‌دهد [۲۵].

از نظر شارپ: به اعتقاد مارگارت شارپ برنامه فلسفه برای نوجوانان به فراگیران نمی‌گوید به چه چیزی فکر کن. این امر به خود فرد بستگی دارد. فلسفه، ابزار ذهنی اجتماعی و عاطفی را در اختیار کودک یا نوجوان قرار می‌دهد تا او بتواند بوسیله آن بهتر بیاندیشد و از طریق پرس و جوی جمعی، تعهد و شجاعت عمل بدست آورد و منطقی فکر کند. معلم بعنوان هدایتگر بحث، باید از قبل، خطوط ممکن برای پیشبرد مباحث را پیش‌بینی کند. به این صورت که داستانهای از قبل انتخاب شده، توسط دانش آموز یا معلم خوانده می‌شود و بعد از بچه‌ها سؤال می‌شود که چه چیزی در داستان برای آنها جالب یا سؤال برانگیز بوده است؟ با این روش، آنها تشویق می‌شوند که اظهاراتشان را بصورت پرسش مطرح نمایند. سؤالهای بچه‌ها روی تخته نوشته شده؛ نام هر دانش آموز کنار سؤالش می‌آید و گاهی رأی گرفته می‌شود که کدام سؤال جالبتر است تا اول مطرح شود. آداب و قوانین بحث

احتمالات، طرح ریزی دنیای داستانی و شخصیت های داستانی، بسط علاقه به مساوات طلبی و عقلانیت.. [۲۸] استرالیا: از نظر فیلیپ کم : وی استاد دانشکده ی فلسفه در دانشگاه نیو ساوت ویلز استرالیا است. کم به پیروی از لیپمن به نوشتن یک سری داستان های فکری پرداخت، مجموعه ای از روایت های محلی و بین المللی را برای ارتقای اعتماد، احترام، تحمل و استدلال طراحی کرده و همچنین از یک سری تصاویر از کتاب فلسفه برای دانش آموزان الهام گرفته است. او خواست که برنامه ی فلسفه برای کودکان را در دوره ی متوسطه اقتباس کند و به نظر او تفاوت کمی بین مفاهیم برنامه ی فلسفه برای کودکان و مواد استفاده شده برای دانش آموزان متوسطه وجود دارد [۲۹]. او به پرورش صفاتی همچون: همکاری، اعتماد، احترام، خطرپذیری، اصلاح خود، تحمل، مسئولیت و استدلال پرداخته است و داستان های زیادی را تحت عنوان داستان های فکری برای کودکان و نوجوانان نوشته است. در کتاب فکر کردن با هم او نشان می دهد که چگونه داستان می تواند به کودکان و نوجوانان در حل مشکلاتی که به آنها فکر می کنند کمک کند و او بیان می کند که استفاده از سؤال، اجتماع پژوهشی، بحث گروهی و فعالیت های دیگر به منظور توسعه ی مهارت های تفکر می تواند در برنامه ی درسی اعمال شود [۳۰]. روش پیشنهادی کم برای تسهیل گفتگو در برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان از طریق یک فرایند دیالکتیک و پرورش تفکر انتقادی است. در واقع تفکر انتقادی از طریق گفتگو پرورش می یابد. این روش دانش آموزان را به طور کامل در تمام تصمیم گیری ها بدون در نظر گرفتن نتیجه درگیر می کند. استفاده از روش اجتماع پژوهشی دانش آموزان را تشویق می کند تا در یک عمل اجتماعی و فکری برای فکر کردن با هم و از طریق یک رویکرد مشترک برای بحث شرکت کنند، همچنین در اجتماع پژوهشی دانش آموزان به روش سقراطی تشویق می شوند تا تجاربشان را منعکس کنند و افکارشان را بیان کنند و در یک محیط امن با ایده هایشان بازی کنند. [۳۱]

از نظر استفان میل^۱ وی پیشگام استراتژی های فلسفه به پسران است. او در دانشگاه وسلی به کار اجتماع پژوهش فلسفی به عنوان استراتژی اصلی اش پرداخت و هدف او ادغام کردن فلسفه در برنامه درسی مدارس بود. میل اجتماع پژوهشی فلسفی را به عنوان هسته ی مرکزی آموزش فلسفه می داند و می گوید: کاملاً شگفت آور است هنگامی که دانش آموزان برای این روش از بحث و گفتگو گرد هم می آیند در اثر این روش ناگهان ایده های گروه به فرد منتقل می شود.

چنین الگویی زمینه تمرین مستقیم وضعیت های خاص را فراهم می کند : وابستگی متقابل همه شرکت کنندگان برای آرامش جمع، حفظ مفاهیمی که ارزش تلقی می شوند و تحمل دیدگاههای دیگران. انجمن های پرسش و پاسخ در بهترین حالت خود نوجوانان را در تجارب معرفت شناسی، اخلاقی و زیباشناسی غوطه ور می کند. این موارد که به عنوان اساس تجربه گروه تلقی می شود، در شرایطی که آنها شروع به تفکر راجع به احتمالات روابط و ارزش های جدید می کنند. حساسیت روزافزون به یکدیگر، درک تحسین آمیز جزء و کل، دستکاری خلاقانه عناصر برای ایجاد معنی که به هوشیاری و کیفیت این غوطه ور شدگی وابسته خواهد بود. هر قدر که نوجوانان نسبت به ابعاد مختلف انجمن پرسش و پاسخ آگاه نشوند، بیشتر به شکل برگزاری، روش ها و نتایج آن اهمیت می دهند. [۲۷]. به اعتقاد شارپ به روش های زیر می توان فلسفه را به کودکان و نوجوانان آموزش داد:

۱- از طریق داستانی سوال برانگیز که خواننده را به پرسش وا می دارد.

۲- از طریق جمع کردن گروه دوستان برای پرسش و پاسخ که در آن هر کس یاد می گیرد به حرف های دیگران گوش کند، سوال بپرسد، به دنبال معیارها باشد، استدلال کند، پیش فرض ها را آشکار کند، اندیشه ها را شکل دهد، برای بررسی استنتاج های دیگران مثال های نقض ارایه دهد، دیدگاه های مختلفی پیشنهاد کند، قیاس ها و استنتاج های دیگران را نقد کند، نقطه نظرات دیگران را درک کند، مفاهیم و روابط جدیدی بوجود آورد و حساسیت نسبت به احساسات دیگران را در خود پرورش دهند، در مورد لازمه های پرسش و پاسخ و به ویژه خود اصلاحی و دنبال کردن نتایج تحقیق علاقه نشان دهد.

۳- از طریق شرکت جستن و درگیر شدن با تفکری خلاق، تفکری انتقادی و تفکری مسوولانه : که این امر آگاهی از معیارها و ضوابط بحث، زمینه بحث و وجود نیاز به خود اصلاحی است ؛ فکر کردن بر حسب احتمالات مختلف و در آوردن پیامدهای قضاوت های شخصی از نظر تأثیری که به طور کلی بر روی شخص، دیگران و طبیعت می گذارد.

۴- از طریق به وجود آوردن وضعیت و حالتی که به یک کندوکاو جمعی رهنمون شود: با دقت گوش دادن، همفکری خلاق در مورد نقطه نظرات دیگران، تحمل نظرات مختلف، داشتن حس کنجکاوی، شگفت زدگی، مهربانی نسبت به دیگران، پرسیدن سوالات انتقادی، تفکر مسوولانه، اکتشاف و درنگی عقلانی، تواضع خردمندانه، حس یکانگی و یکدلی با دیگر افراد گروه، تفکری همراه با در نظر گرفتن

¹ Stephan millet

را با مطرح کردن سوال یا بحث کردن انجام می دهیم. وقتی به الف فکر می کنید دیگر به غیر از الف به چیزی نمی اندیشید، بنابراین فراتر از الف را نخواهید دید. این سه مرحله را من توانایی فیلسوف می نامم. نکته قابل توجه در این روش این است که در کلاس باید نگرش فلسفی ایجاد کنیم. آموزگار باید دانش آموز را شگفت زده کند و چگونگی وقایع را طوری بررسی و تجزیه و تحلیل کند که دانش آموزان شگفت زده شوند، چرا که شگفتی و حیرت آغاز فلسفه ورزی است. [۳۳]. در این روش داستان یا متنی ساخته و یا خوانده نمی شود و سؤال مهم نیز از طرف خود کودکان نیز مطرح نمی گردد، بلکه طراح سؤال مربی است و تنها پاسخ ها و گفتگوها از طریق کودکان و نوجوانان صورت می گیرد. [۱۸]

روش کار در این دیدگاه به این شکل است که معلم در کلاس سؤالی را مطرح می کند و از دانش آموزان می خواهد که فرضیاتشان را در پاسخ به این سؤال ارائه دهند. البته از قبل از دانش آموزان خواسته شده است وقتی که در جلسه ی آینده حضور می یابند، بر روی یک متن کوتاه در زمینه ی سؤال مطرح شده کار کنند. با شروع کلاس دانش آموزان به صورت دایره وار آرایش می یابند و با توجه به اطلاعات و تجربیات دانش آموزان یکی از شاگردان فرضیه اش را در مورد متن که شامل علاقه یا عدم علاقه، توافق یا عدم توافق او در این زمینه است ارائه می دهد. یک توضیح عمومی که باید ایده ی خودش را توسط استفاده از بخشی از متن توجیه کند و دیگر شرکت کنندگان توسط فرضیه و سؤال او به بحث دعوت می شوند. بنابراین شرکت کننده ی دیگری نظرش را در زمینه ی متن ارائه می کند؛ این کار توسط ارائه ی سؤالاتی از جانب دیگر شرکت کنندگان، دنبال می شود. و بدین ترتیب در کلاس درس نظرات مختلف با یکدیگر مقایسه می شوند و سؤالات دیگری در کلاس پیش می آید که تفاسیر دیگری از متن را طلب می کند. این سؤالات (انتقاد درونی) به فرضیه دهنده کمک می کند که تفکرش را توسعه دهد و به تناقضات اصلی تفکرش رسیدگی کند. پس از چند سؤال، شرکت کننده ی دیگری همین کار را با سؤالاتی که خودش ارائه می کند انجام خواهد داد. کم کم یک ساخت عمومی منطقی به واسطه ی موضوع سؤال اولیه پدیدار خواهد شد. در پاسخ به یک سؤال عمومی، هر شرکت کننده توصیف کوتاهی واقعی یا خیالی، ساخته شده توسط خود او یا نه را ارائه می کند تا مفهوم سؤال را دریافت کند. بعد از چند توصیف و نقل قول، یک بحث دنبال خواهد شد و در مشخص کردن اینکه کدام توصیف بیشتر سؤال مطرح شده را روشن خواهد کرد، وقتی یک توصیف انتخاب شد، مطرح کننده آن بر روی مفهوم واقعی آن، مورد پرسش قرار می گیرد [۲۴].

به نظر ویگوتسکی ایده های بین فردی به درون فردی تبدیل می شود. او از مواد محرک لیپمن به عنوان روش کارش در آموزش فلسفه به نوجوانان استفاده کرد. از جمله الفی و پیسکی و کشف هری استاتلمیر. هدف میلث این بود تا راهی را پیدا کند تا دانش آموزان را تشویق کند تا با روش فلسفی به مواد درسی بپردازند. میلث همچنین برای توسعه ی رویکرد های فلسفی از تصاویر کمک گرفته است و او یادآوری می کند که می توان از نشانه های تصاویر، تأثیر اخلاقی از تصاویر، تفسیر و معنی کردن و تجزیه و تحلیل آنها در اجتماع پژوهش فلسفی استفاده کرد. اجتماع پژوهش فلسفی تنها رویکرد آموزشی نیست؛ اما این روش به طور بسیار گسترده در این رویکرد استفاده می شود و دلایل زیادی برای استفاده از این روش وجود دارد. عمده ترین آنها تعامل کودکان و نوجوانان با هم و لذت بردن از آن هاست [۳۲].

در پاسخ به سوال دوم پژوهش یعنی روش های آموزش فلسفه به نوجوانان در رویکرد فرانسوی : از صاحب نظران رویکرد دوم می توان از " اسکار برنیفیر سخن گفت. از نظر برنیفیر روش آموزش فلسفه بسیار نامناسب است روش ابداعی خود را طی کتاب هایی بیان می کند و در نهایت روش خود را به این شرح توضیح می دهد: مسأله ای که با آن آغاز به کار کردم چگونگی تشخیص مسائل اساسی و مهم در فلسفه بود، چرا که فلسفه می تواند به مسائل مهمی هم چون نویسنده های گوناگون و مکتب های اندیشه مختلف بپردازد. من از زاویه دید سقراط مسأله را بررسی می کنم. هر کسی راجع به هر مسأله ای یک ایده به خصوص دارد. هدف ما در فلسفه این است که بگوییم چگونه روی ایده ها و اندیشه هایشان کار کنند. اگر می گویند فرانسویان مردمان خوبی نیستند باید علت را مشخص کرد و سپس برای آن استدلال آورد. در آن صورت حرف شما پذیرفته خواهد شد. در واقع پس از تجزیه و تحلیل علل می توان گفت به این علت حرف شما را می پذیریم یا به این علت حرف شما را نخواهم پذیرفت. این روش نوعی روش علمی محسوب می شود. از دیگر مسائلی که سعی کردم در این زمینه با آن دست یابم تعیین سه مرحله اصلی بود که ما آن را توانایی فلسفی می نامیم. اولین مرحله عمق بخشیدن به افکار توسط یافتن علل، تجزیه و تحلیل، ساده سازی و پرداختن به پیش فرض هاست. دومین مرحله مفهوم سازی است. اغلب وقتی از کسی سؤالی می پرسیم آنها با مثال پاسخ می دهند. مفهوم سازی بدین معناست که مثال ها را کنار بگذاریم، اگر هم از آنها استفاده می کنیم، در چهارچوب انتقال مفهوم باشد. مرحله ی سوم مسئله سازی است. هیچ چیز بدون مسئله نیست. هیچ چیز مشخص نیست. این مرحله

مقدمت رشد زبان و ادبیات را بنا می‌کند بلکه موجب رشد اعتماد به نفس فرد به عنوان عضوی از جامعه آموزشی می‌شود. بحث دسته جمعی به آفرینش و حفظ جامعه و نیز به حل مشکلات اجتماع کمک می‌کند. [۳]. از نظر فیشر جامعه کاوشگر عبارت است از روش یاری دو جانبه ای برای زیر سؤال بردن امور و حل مسائل، تشویق دانش آموزان به شرکت فعال در فرایند یادگیری، کشف کردن و تسهیل درک خود زیر نظر رهبر. این، روشی آرمانی برای افزایش یادگیری مشارکتی و برای انگیزه بخشیدن به کودکان و نوجوانان برای گوش دادن مشتاقانه به یکدیگر است. [۳۵]. به عقیده فیشر طیف وسیعی از داستان‌ها و متون را می‌توان برای راه اندازی کاوش فلسفی با کودکان و نوجوانان در خانه و مدرسه به کار برد:

- ۱- رمان‌های فلسفی
- ۲- داستان‌های کهن
- ۳- کتاب‌های مصور
- ۴- داستان بر مبنای برنامه درسی
- ۵- شعر
- ۶- تصویر و عکس
- ۷- چیزهای دست‌ساز و اشیاء
- ۸- نمایشنامه، ایفای نقش و تجربه دست‌اول
- ۹- موسیقی
- ۱۰- تلوزیون و ویدئو
- ۱۱- داستان واقعی [۳].

به نظر فیشر یکی از مؤلفه‌های اصلی برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان، شکل کلاس و نحوه هدایت آن یعنی کلاس داری است. برای اینکه محور آموزش و پرورش، پژوهش و تحقیق باشد لازم است که کلاسهای درس تبدیل به حلقه‌های کندوکاو یا اجتماع پژوهشی شوند که در آن از رابطه دوستی و همکاری جهت مشارکت مثبت در فضای آموزشی استقبال می‌شود. قبل از شروع بحث در کلاس، دانش آموزان توجیه می‌شوند که اعضای کلاس در واقع عناصر یک گروه پژوهشی هستند که قرار است با بحث و گفتگو درباره داستان یا موضوعی که ارائه می‌شود و کشف عناصر پنهان در آن موضوع یا داستان به اهداف برنامه برسند. همچنین با آنها صحبت می‌شود که برای اینکه کار خود را به خوبی انجام دهند باید به مواردی همانند موارد پایین توجه کنند:

باید به گفته‌های یکدیگر گوش دهیم، باید به ایده‌ها و افکار دیگران احترام بگذاریم، ممکن است با ایده و افکار فرد دیگری موافق نباشیم اما با خود شخص موافقیم، باید آهسته صحبت کنیم تا بتوانیم ایده و نظری را قضاوت کنیم و باید زمانی را

در رابطه با سوال سوم پژوهش یعنی روش‌های آموزش فلسفه به نوجوانان در رویکرد انگلیسی آموزش فلسفه: در این رویکرد می‌توان از صاحب‌نظرانی همچون "رابرت فیشر"، "گرت متیوز" و "راجر ساتکلیف" نام برد. از نظر فیشر: در مقدمه کتابش (داستانهایی برای فکر کردن) معتقد است که داستانها بهترین بستر برای پرورش مهارتهای فوق هستند. بر این اساس داستانهایی از فرهنگهای مختلف و ملل گوناگون جمع‌آوری شده و مبنای برنامه‌های آموزشی مدارس قرار گرفته است. بعد از هر داستان دو سری سؤال تحت عنوان «طرح بحث» مطرح شده است: سری اول؛ با عنوان «تفکر درباره داستان» که سؤالهایی را مطرح می‌کند تا توجه کودکان و نوجوانان را به قسمتها و ماجراهای مطرح شده در داستان جلب کند و آنها را به تفکر وا دارد و سری دوم؛ سؤالهایی تحت عنوان «تفکر درباره تم اصلی داستان» مطرح می‌شود. موضوعهای اصلی داستانها، مواردی است مثل: خشم، دوستی، آزادی، انصاف، زیبایی، تغییر، ترس و مرگ و ... است. بعد از طرح بحث‌ها هم تعدادی فعالیت‌های تکمیلی در ادامه هر داستان مطرح می‌شود که محوریت آن، پرورش خلاقیت و قوه تخیل در کودکان و نوجوانان است. بعقیده رابرت فیشر، هر داستان می‌تواند محرکی برای بفرار واداشتن کودکان و نوجوانان باشد بشرط آنکه یک معلم یا مربی، سؤالهایی را درباره آن (اعم از وقایع داستان یا مفاهیم مطرح شده در آن) طرح کند. طبق مقدمه کتاب، این داستانها هم بصورت فردی و هم دو نفره و هم جمعی (در کلاس) می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. بنظر می‌رسد در کل، مهارتهای موردنظر فیشر با مهارتهای فلسفه برای کودک لپیمن مطابقت دارد، اما در مقایسه، چند تفاوت اساسی در کار این دو محسوس است که مهمترین آنها تا حدودی معلم مدار بودن کتابهای فیشر است. همچنین برنامه فلسفه برای کودک به گونه‌ای است که بحث کلاسی با سؤال دانش آموزان شروع می‌شود و تأکید بر نکاتی است که باعث حیرت کودکان و نوجوانان می‌شود؛ در صورتی که در کتابهای فیشر سؤالها از پیش تعیین شده‌اند و شاید به نوعی، تفکری خاص را القا می‌کند. همین‌طور مفاهیم خاص کتاب بیشتر در حیطه «علوم انسانی» (ادبیات و هنر) است. البته باید اذعان داشت که نحوه هدایت بحث توسط معلم و ملاکها و معیارهای فیشر، با ملاکها و معیارها و نحوه هدایت بحث فیلیپ کم، در کتاب داستانهای فکری (راهنمای معلم) مشابهت زیادی دارد [۲۶]. فیشر معتقد است بحث نقش عمده‌ای در پیدایش جامعه کاوشگر دارد. یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین فعالیت‌های انسان، یادگیری رو در رو صحبت کردن با افراد جامعه خود، درباره پرسش‌هایی در زمینه علایق مشترک است. برای کودکان، این امر نه تنها

صرف «تفکر در خلوت» کنیم .

زمانی که یک داستان خوانده می شود، اجتماع پژوهشی شروع به کار می کند. راهنمایی های زیر برای هدایت اجتماع پژوهشی ضروری هستند.

۱. از دانش آموزان بپرسید چه نکات جالب یا گیج کننده ای در مورد داستان یا سایر تجربیات یافتید؟ آنها را تشویق کنید تا نظرات خود را به شکل سؤال مطرح کنند. سؤالات دانش آموزان را بر روی تابلو بنویسید و بعد از هر سؤال اسم فردی که سؤال را مطرح کرده است، بنویسید. ۲. سؤالات را به ترتیب با یک روش بحث کنید. ممکن است یکی از دانش آموزان سؤال بسیار جالبی مطرح کرده باشد. گروه را تشویق کنید که سؤالاتی اینگونه بپرسند. سؤالاتی را که پاسخ آنها آسان است و یا پاسخ دادن به آنها بر اساس آنچه که شما می دانید امکان پذیر نباشد را حذف کنید.

۳. دانش آموزان باید وقتی که شخصی صحبت می کند ساکت باشند و به گوینده گوش فرا دهند. ۴. نقش معلم تسهیل کننده و کمک کننده است. اصولاً نقش او هدایت کننده و مدل سازی کردن اقداماتی است که توسط تفکر کنندگان با تجربه مطرح می شود. نظر معلم نباید به عنوان منبع اطلاعاتی و ارزیابی کننده برای پاسخ های دانش آموزان در نظر گرفته شود. بعضی از تکنیک های اصولی و اساسی در اینجا عبارتند از: استفاده از زمان های انتظار، اجتناب از پیش داوری ها، استفاده صحیح از پرسش هایی که بر فعالیت های فکری و ذهنی دلالت دارند و می توانند در آینده مفید واقع شوند و توجه دانش آموزان را به فعالیت های فراشناختی تفکر در مورد افکار خودشان سوق دهد.

۵. تأثیر حالت فیزیکی گروه به شکل دایره وار (میزگرد)، باعث می شود تا شرکت کنندگان بیشتر تشویق به صحبت کردن شوند. همچنین اگر آنها مستقیماً به شخص دیگری پاسخ دهند بهتر از این است که همیشه به معلم پاسخ دهند. بالا بردن دست و اجازه گرفتن برای صحبت کردن ضروری است، به ویژه اگر گروهی تازه تشکیل شده باشد. این باعث می شود تا معلم بتواند مهارت را در دانش آموزان افزایش دهد. ۶. معلم عضوی از اجتماع است و بنابراین وظیفه او شرکت کردن در بحث است. هر چند که نقش های سنتی معلمان بدین معناست که اطلاعات او نقش مهمی نسبت به شرکت دانش آموزان در بحث دارد، برای معلم مهم است که واقعیات و نظریات را عنوان کند. اگر با دادن فرصت و زمان به دانش آموزان، آنها می توانند پاسخ قابل قبولی را ارائه دهند باید این فرصت در اختیار آنها گذاشته شود. البته گاهی تشویق نیز در

این امر مؤثر است. لیپمن در این زمینه می گوید معلم باید از نظر آموزشی قوی و دارای اطلاعات زیادی باشد، ولی از نظر فلسفی باید فروتن و مناعت طبع داشته باشد. ۷. معلم باید حوصله و ارزیابی را در اجتماع تشویق کند؛ چون بعضی از سؤالات پیچیده و دشوار هستند و به آسانی قابل پاسخگویی نیستند و پاسخگویی به بعضی از سؤالات نیاز به زمان و وقت زیادی دارد. از خاتمه زود هنگام سؤال باید اجتناب شود .

۸. باید دانش آموزان را تشویق کرد که در قبال نظرات و ایده های خود مسئول باشند و بتوانند از آنها دفاع کنند و آنها را به طور مناسب تغییر دهند [۳۵].

از نظر گرت متیوز: یکی از روشهای آموزش تفکر به کودکان با رویکرد فلسفی، فلسفه با کودکان (PWC) است که البته فلسفه به نوجوانان را نیز شامل می شود. که در کشورهای اروپایی رشد چشمگیری داشته است. گرت بی متیوز یکی از فعالان فلسفه با کودکان در انگلستان است .. بعقیده متیوز، راههای مختلفی برای بکار بردن مکالمات فلسفی در مدرسه وجود دارد و یک روش خوب، می تواند همه موضوعات فلسفی را بوجد آورد؛ البته در صورتیکه مربی، ذهنی باز و فلسفی داشته باشد. در این صورت حتی شاید نیازی به برنامه درسی مدون هم نبوده و کفایت از مطالبی که موجود است، بخوبی استفاده شود. وی با تأسیس کارگاههایی (روزانه یا هفتگی) برای معلمان در پی تغییر نگرش آنهاست. در این کارگاهها، به معلمان آموزش داده می شود که به کودکان و آنچه آنها برای گفتن دارند، به اندازه کافی احترام بگذارند، به آنها گوش دهند و آنرا دنبال کنند و همیشه بدانند که کودک ممکن است راجع به چیزی فکر کند که دیگران بعنوان فرد بالغ یا فیلسوف حرفه ای که همه وقتشان را برای فکر کردن درباره این چیزها صرف می کنند، کاملاً متوجه آن نیستند. همچنین به آنها آموزش داده می شود که باید به کودکان گوش داد زیرا آنها نیز گاهی چیزهای واقعاً جالبی برای گفتن دارند و شما را به چیزهایی راهنمایی می کنند که خودتان تا بحال به آن فکر نکرده اید. در این کارگاهها، برای اینکه ذهن معلمان نسبت به آنچه کودک می خواهد بگوید بسته نباشد مطالب خاصی به معلمان دیکته نمی شود، بلکه کلاسها با روشی خاصی اداره می شود؛ به این صورت که داستانی راجع به یک کودک که سؤالاتی فلسفی برایش پدید می آید به معلمان داده می شود، سپس از معلمان خواسته می شود که نوشته کوتاهی راجع به اینکه چگونه مکالمات با موضوعات کودکان می تواند ادامه یابد را بنویسند. این روش، نوعی تغییر حالت ذهنی معلمان است، بطوریکه آنها ابتدا چیزی را می نویسند و سپس درباره آن گفتگو می کنند. آنها

را به چیزهایی راهنمایی می‌کنند که خودتان تا بحال به آن فکر نکرده‌اید. در این کارگاه‌ها، برای اینکه ذهن معلمین نسبت به آنچه کودک می‌خواهد بگوید بسته نباشد مطالب خاصی به معلمین دیکته نمی‌شود، بلکه کلاسها با روشی خاصی اداره می‌شود؛ به این صورت که داستانی راجع به یک کودک که سؤالاتی فلسفی برایش پدید می‌آید به معلمین داده می‌شود، سپس از معلمین خواسته می‌شود که نوشته کوتاهی راجع به اینکه چگونه مکالمات با موضوعات کودکان می‌تواند ادامه یابد را بنویسند. این روش، نوعی تغییر حالت ذهنی معلمین است، بطوریکه آنها ابتدا چیزی را می‌نویسند و سپس درباره آن گفتگو می‌کنند. آنها با این روش، می‌توانند برنامه ثبت شده خود را ببینند. وی از سقراط بعنوان فیلسوفی نام می‌برد که توجه خاصی به تفکرات کودکان داشته است و درباره روش لیپمن نیز عقیده دارد که روش ذهنی معینی است و سعی دارد طرحی کاربردی برای سنین مختلف را ارائه دهد. بنظر متیوز روش او با همه محسناتش معایبی دارد از جمله:

۱- استفاده از داستان ممکن است محدود باشد در حالی که کتابهای دیگری تواند بارها و بارها در زمانهای مختلف بوسیله افراد گوناگون مورد استفاده قرار گیرد. (مانند کتابهای متیوز)

۲- برنامه‌های لیپمن تا حدی باعث سردرگمی کودکان و معلمین می‌شود و شاید سالها طول بکشد تا تمایل به استفاده از این کتابها در معلمین و کودکان ایجاد شود.

۳- نوشته‌های لیپمن فلسفی بنظر نمی‌رسد و نباید کار فلسفه با کودک یا نوجوان، محصور به تعدادی داستان شود بلکه باید راههای مختلفی را امتحان کرد و از مطالب دیگر نیز استفاده نمود.

۴- لیپمن معتقد است که ما درباره چیزهایی صحبت می‌کنیم که جوابی برایشان نداریم در حالی که بنظر متیوز جوابهای زیادی وجود دارد و نمی‌شود گفت هیچ جوابی در دست نیست. گفتن این حرف بمعنی القای این است که «کارهای ما مهم نیستند» ولی این موضوع، بسیار پر اهمیت است. ممکن است امروز نتوانیم جواب خوبی بدهیم اما شاید فردا جوابی بهتر داشته باشیم. بنظر وی دنبال جواب گشتن و سعی برای پیدا کردن بهترین جواب، آنقدر اهمیت دارد که لازم است در مباحثه با کودکان، بحث را ادامه داد. حال ممکن است بحث را موقتاً خاتمه دهیم ولی در وقت دیگری حتماً اینکار را ادامه می‌دهیم.

۵- لیپمن عقیده دارد در فلسفه با کودک باید از منطق کمک گرفت، در حالیکه متیوز به توسعه برنامه فلسفی از طریق ادبیات و روانشناسی کودکان معتقد است. او روش

با این روش، می‌توانند برنامه ثبت شده خود را ببینند. وی از سقراط بعنوان فیلسوفی نام می‌برد که توجه خاصی به تفکرات کودکان داشته است و درباره روش لیپمن نیز عقیده دارد که روش ذهنی معینی است و سعی دارد طرحی کاربردی برای سنین مختلف را ارائه دهد. بنظر متیوز روش او با همه محسناتش معایبی دارد از جمله:

۱- استفاده از داستان ممکن است محدود باشد در حالی که کتابهای دیگر می‌تواند بارها و بارها در زمانهای مختلف بوسیله افراد گوناگون مورد استفاده قرار گیرد. (مانند کتابهای متیوز)

۲- برنامه‌های لیپمن تا حدی باعث سردرگمی کودکان و معلمین می‌شود و شاید سالها طول بکشد تا تمایل به استفاده از این کتابها در معلمین و کودکان ایجاد شود.

۳- نوشته‌های لیپمن فلسفی بنظر نمی‌رسد و نباید کار فلسفه با کودک یا نوجوان، محصور به تعدادی داستان شود بلکه باید راههای مختلفی را امتحان کرد و از مطالب دیگر نیز استفاده نمود.

۴- لیپمن معتقد است که ما درباره چیزهایی صحبت می‌کنیم که جوابی برایشان نداریم در حالی که بنظر متیوز جوابهای زیادی وجود دارد و نمی‌شود گفت هیچ جوابی در دست نیست. گفتن این حرف بمعنی القای این است که «کارهای ما مهم نیستند» ولی این موضوع، بسیار پر اهمیت است. ممکن است امروز نتوانیم جواب خوبی بدهیم اما شاید فردا جوابی بهتر داشته باشیم. بنظر وی دنبال جواب گشتن و سعی برای پیدا کردن بهترین از نظر گرت متیوز:

گرت بی متیوز یکی از فعالان فلسفه با کودکان در انگلستان است. به عقیده متیوز، راههای مختلفی برای بکار بردن مکالمات فلسفی در مدرسه وجود دارد و یک روش خوب، می‌تواند همه موضوعات فلسفی را بوجود آورد؛ البته در صورتیکه مربی، ذهنی باز و فلسفی داشته باشد. در این صورت حتی شاید نیازی به برنامه درسی مدون هم نبوده و کفایت از مطالبی که موجود است، بخوبی استفاده شود.

وی با تأسیس کارگاه‌هایی (روزانه یا هفتگی) برای معلمین در پی تغییر نگرش آنهاست. در این کارگاهها، به معلمین آموزش داده می‌شود که به کودکان و آنچه آنها برای گفتن دارند، به اندازه کافی احترام بگذارند، به آنها گوش دهند و آنرا دنبال کنند و همیشه بدانند که کودک ممکن است راجع به چیزی فکر کند که دیگران بعنوان فرد بالغ یا فیلسوف حرفه‌ای که همه وقتشان را برای فکر کردن درباره این چیزها صرف می‌کنند، کاملاً متوجه آن نیستند. همچنین به آنها آموزش داده می‌شود که باید به کودکان گوش داد زیرا آنها نیز گاهی چیزهای واقعاً جالبی برای گفتن دارند و شما

متفاوت و حتی کودکان که با یکدیگر متفاوتند، کافی نیست و هر فرهنگ منابع و مطالب مکتوب مطابق با نیازهای خود را می‌طلبد و بهترین رویکرد در جهان همان است که بواسطه حلقه کندو کاو هدایت شود. وی علاوه بر سه نوع تفکر طرح شده، (تفکر نقاد، تفکر خلاق و تفکر عاطفی) نوع چهارمی از تفکر را بنام تفکر جمعی مطرح می‌کند و آن را به بعد جمعی حلقه کندو کاو اضافه می‌کند. بنظر سائتکلایف کودکان و نوجوانان علاوه بر تفکر نقاد و خلاق، از یکدیگر در ساخت درک مشترک حمایت می‌کنند و این همان معنی تفکر جمعی است که از مزیت‌های روش خود، دلسوزی و کل نگرایی را مطرح می‌کند. وی در پی آنست که با فلسفه و نوجوان علاوه بر گسترش چهار نوع تفکر فوق «وضعیت های خوب فکر کردن» را هم گسترش دهد که خود باعث پیشرفت می‌شود. به نظر او این وضعیت‌ها از این قرارند: جدیت^۱، رک بودن^۲، همکاری^۳، معقول بودن^۴، مهربان بودن^۵، سرسختی^۶، همدل بودن^۷، و داشتن حس شوخ طبعی^۸. بعقیده او مواد درسی لیپمن باندازه کافی سیال نمی‌باشد و برای همه فرهنگ‌ها قابل استفاده نیست. او به مشی و کارهای لیپمن احترام می‌گذارد اما ضعف‌های این راه را نیز نادیده نمی‌گیرد. [۲۶]

روش های آموزش فلسفه به نوجوانان در سه رویکرد ذکر شده در جداول زیر آورده شده است:

لیپمن را محافظه کارانه می‌داند و می‌گوید: "لیپمن نگران است که پدر و مادرها ناراحت شوند و تصور کنند ما عقاید کودکانشان را تعمیر می‌کنیم!"^۱

بطور کلی آموزش فلسفه با کودک و نوجوان از دیدگاه متیوز، تلاش برای کمک به بچه‌ها است تا بهتر فکر کنند، فکرشان را با تخیل بیشتری رشد دهند و پیشرفت خود را ملاحظه کنند، در عین حال ما مسئول آن نیستیم که به آنها طرز نگرش به دنیا را بدهیم، بلکه بهتر است آنها خودشان به این هدف دست پیدا کنند. [۲۶].

راجر سائتکلایف: از دیگر مراکز که در کشور انگلستان در زمینه فلسفه و کودک فعالیت دارند، "انجمن بین‌المللی کندو کاو فلسفی با کودکان" است و "راجر سائتکلایف" از پژوهشگران فعال این مؤسسه می‌باشد. این انجمن از واژه «فلسفه با کودکان» استفاده می‌کند تا فعالیت‌های خود را متمایز نماید و نشان دهد که در این زمینه از مطالب و اطلاعات مکتوب لیپمن و همکارانش (برنامه فلسفه برای کودکان) استفاده نمی‌کند و علاوه بر آن به همه بفهماند که فلسفه در این مورد بیشتر به یک فرایند خاص شباهت دارد و کندو کاو بدین معنی است که ما با کودکان مشارکت می‌کنیم نه آنکه یک دانش خاص (فلسفه) را برای آنها عرضه کنیم. از نظر سائتکلایف همه دیدگاهها در زمینه فلسفه و کودک قابل احترامند، اما این امور برای نیاز فرهنگ‌های

جدول ۱. روش های آموزش فلسفه نوجوانان در رویکردهای مختلف

رویکرد انگلیسی (رویکرد سوم)		رویکرد فرانسوی (رویکرد دوم)		رویکرد آمریکایی-استرالیایی (رویکرد اول)	
-داستان -حلقه های کندو کاو -مباحثه گروهی -ن-مایشنامه -ایفای نقش -موسیقی -چیز های دست ساز و اشیاء -داستان	از نظر فیشر	-استفاده از سؤال برای شروع بحث -گفتگوی سقراطی -اجتماع پژوهشی	از نظر برنیفیر	-داستان -روش اکتشافی -کاوش جمعی -مباحثه -اجتماع پژوهشی یا ایجاد حلقه های کندو کاو کلاسی -پرسش و پاسخ	از نظر لیپمن و مارگارت شارپ (امریکا)
-داستان -گفتگوی سقراطی -مباحثه	از نظر گرت متیوز			-داستان -استفاده از سؤال -اجتماع پژوهشی -بحث گروهی -دیالکتیک	از نظر فیلیپ کم (استرالیا)
-اجتماع پژوهشی یا حلقه های کندو کاو	از نظر سائتکلایف			-اجتماع پژوهشی -تصاویر	از نظر میل (استرالیا)

⁵ Amiability

⁶ Tenacity

⁷ Empathy

⁸ Sense of Humour

¹ Seriousness

² Openness

³ Collaboration

⁴ Reasonableness

از روش‌های اجتماع پژوهشی، داستان‌های فلسفی، کاوش جمعی، حلقه‌های کندو کاو و پرسش و پاسخ استفاده می‌کنند و تفاوت آنها بویژه در رویکرد اول از داستان فلسفی برای شروع بحث استفاده می‌شود ولی در رویکرد دوم از پرسش فلسفی به عنوان سرآغاز استفاده می‌شود. و با توجه به اینکه رویکرد سوم ترکیبی از دو رویکرد قبلی است، لذا از آنها جامع‌تر و کامل‌تر است و ما می‌توانیم در کشورمان از این رویکرد استفاده کنیم؛ اجتماع پژوهشی قلب کاوشگری اجتماعی است؛ اما تنها روش رشد نیست؛ پس باید از روش‌های متناسب با آن از جمله روش حل مسئله، مشارکت گروهی و عملگرایی برای رشد مهارت‌ها و اهداف مهم اجتماعی و شناختی کودکان بهره‌جست. روش غالب در این مدل همان "اجتماع پژوهشی" است. تا در یک چنین اجتماعی دانش آموزان با احترام متقابل به یکدیگر، با بیان استدلال‌های خود، ارایه فرضیات و مورد سؤال قرار دادن آن فرضیه‌ها، در یک محیط گفت و گو و تبادل نظر دوستانه رفتار اجتماعی خودشان را رشد دهند. در نتیجه آنچه از بررسی روش در هر سه رویکرد می‌توان گفت این است که اولویت هر دو در وهله اول اجتماع پژوهشی است. بنابراین می‌توان روش اجتماع پژوهشی را به عنوان روش غالب و اصلی و روش‌های سقراطی، عملگرایی و مفهوم‌آموزی را به عنوان روش‌های یادگیری مناسب برای رشد مهارت‌ها و اهداف مهم اجتماعی و شناختی استنباط کرد. اگر شهروندانی می‌خواهیم که نه فقط با دانش بلکه عملگرا، متفکر و پذیرنده باشند، بنابراین باید فرایندهای آموزشی را عملگرا، پذیرنده و فکورانه هدایت کنیم. در واقع یکی از بهترین راه‌شکل‌گیری تفکر فلسفی برای نوجوانان، تشکیل حلقه کندو کاو فلسفی است. از ویژگی‌های بارز آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: امکان گفت و گوی رودررو با همکلاسان به واسطه چینی‌ش گرد، کاوشگری مشترک با شیوه گفت و گوی منظم، پرورش عقلانیت و خرد جمعی، پرورش استدلال با یک منش جمعی، پرورش انواع تفکر از جمله تفکر تأملی، تفکر نقاد، تفکر عینی و انتزاعی و مجهز ساختن فراگیران به قدرت قضاوت و داوری منطقی. درونی‌سازی مفاهیم در قلب این رویکرد واقع شده است. لیپمن با طرح اجتماع پژوهشی (حلقه کندو کاو فلسفی) به دنبال این ایده است که رشد شناختی تعاملی در این اجتماع را به رشد شناختی درون تک‌تک اعضای گروه مبدل سازد. یکی از راهکارهای اوبرای مستحکم نمودن اجتماع پژوهشی، درونی‌کردن است. درونی‌سازی رفتارهای شناختی آشکار در حلقه کندو کاو (مانند درونی‌کردن این روش که یک هم‌کلاسی، دیگری را تصحیح کند و این روش آن قدر ادامه پیدا کند تا شخص به طور خود کار به خود اصلاحی بپردازد) باز

فلسفه برای نوجوانان خود را محدود به روش خاصی نکرده است بلکه از روش‌های مختلف بهره‌جسته است. روش‌های موجود در برنامه درسی فلسفه برای کودکان عبارتند از: روش گفت و گوی فلسفی در اجتماع پژوهشی، کاوشگری فلسفی، کاوشگری علمی، کاوشگری اخلاقی، کاوشگری اجتماعی، کاوشگری در معنا و زبان و کاوشگری در هنر و ادبیات از جمله روش‌های موجود در برنامه درسی فلسفه برای کودکان است. متداول‌ترین روش در این برنامه روش اجتماع پژوهشی است. بررسی سه رویکرد نشان می‌دهد روش اجتماع پژوهشی یا حلقه کندو کاو در هر سه مورد بیان شده و مورد تأکید قرار گرفته است. بویژه در رویکرد اول یعنی رویکرد امریکایی و خاصه دیدگاه لیپمن. در روش اجتماع پژوهشی دانش آموزان با احترام متقابل به یکدیگر، با بیان استدلال‌های خود، ارایه فرضیات و مورد سؤال قرار دادن آن فرضیه‌ها، در یک محیط گفت و گو و تبادل نظر دوستانه رفتار اجتماعی خودشان را رشد دهند. لیپمن در کاوشگری اجتماعی علاوه بر اجتماع پژوهشی که قلب کاوشگری اجتماعی است از روش‌های دیگری نیز بهره‌می‌برد که در ذیل آن قرار می‌گیرد. برخی از این روش‌ها عبارتند از: روش گفت و گوی سقراطی، روش مشارکتی و روش مفهوم‌آموزی. لیپمن طراحی تکنیک‌های مشارکت گروهی را یکی از نشانه‌های توانمندی معلم تلقی می‌کند. [۲۲].

بحث و نتیجه‌گیری

شاید بتوان گفت میدان‌نمایش فلسفه برای نوجوان عنصر روش است. زیرا تمام عناصر یاد شده حتی اگر به بهترین صورت ممکن تهیه شوند مادامی که به شیوه‌ای مطلوب ارایه نشود اهداف تعیین شده مثمر ثمر واقع نخواهد شد. با توجه به اهمیت دوره‌ی نوجوانی و لزوم بکارگیری روش‌هایی که نوجوانان را به فکر کردن ترغیب کند، سه رویکرد معرفی شد در بحث روش‌ها در رویکرد اول روش‌ها از نظر لیپمن و شارپ شامل داستان، روش اکتشافی، کاوش جمعی، مباحثه، ایجاد حلقه‌های کندو کاو کلاسی و پرسش و پاسخ است و در استرالیا از نظر فیلیپ کم روش‌ها شامل: داستان، استفاده از سؤال، اجتماع پژوهشی، بحث گروهی و دیالکتیک؛ و از نظر میل‌ت شامل: اجتماع پژوهشی و تصاویر است. و در فرانسه از نظر برنیفیر شامل استفاده از سؤال برای شروع بحث، گفتگوی سقراطی، و اجتماع پژوهشی بوده است و در انگلستان از نظر فیشر، گرت متیوز، ساتکلیف، شامل: داستان، حلقه‌های کندو کاو، مباحثه گروهی، نمایشنامه، ایفای نقش، موسیقی، چیزهای دست‌ساز و اشیاء، گفتگوی سقراطی، است. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر سه رویکرد

جوبای نظرهای متفاوت و حتی مخالف باشند و با گشاده رویی آنها را بشنوند. حلقه کندوکاو به آنها می آموزد که اختلاف نظرها خوب است، اما نیازی به عصبانیت نیست. ۲- هدف فلسفه برای نوجوانان با سایر فلسفه های کاربردی این تفاوت را دارد که به دانش آموزان کمک می کند تا به صورت فردی فکر کنند و مشکلات خود را حل کنند، لذا روش های موثر برای هر دانش آموز با دانش آموز دیگر ممکن است متفاوت باشد. لذا مربیان باید در کنار روش اجتماع پژوهشی با روشهای مختلف آشنا باشند، و متناسب با هر دانش آموز روش خاص او را بکار ببرند.

۳- روش های آموزش فلسفه برای نوجوانان با آموزش های معمول متفاوت است. مربی آموزش فلسفه برای نوجوان باید ویژگی های خاصی داشته باشد؛ از جمله شناخت ویژگی های نوجوان، صبر و حوصله فراوان، مهربانی و تعهد، علاقه مندی به کودکان، رفتار جذاب و دلنشین و فکر باز، روشن و بدون تعصب. این مربیان باید بتوانند اندیشه ورزی را در کودکان شکوفا کنند، کلاس را با موضوع های خاص به چالش بکشند، در کلاس تنوع ایجاد کنند، کودکان را به بحث تشویق کنند، و نسبت به تغییرات رفتاری دانش آموزان حساس باشند.

منابع

- ۱- شهر آرای، مهرناز (۱۳۷۳). در ضرورت تعلیم و تربیت پویا و خلاق. مجله ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره دهم، شماره اول
- ۲- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۰). «جایگاه تفکر در برنامه ریزی درسی». مقالات ارائه شده در همایش برنامه درسی و پرورش تفکر. تهران، انجمن برنامه ریزی درسی ایران
- ۳- خارستانی، اسماعیل (۱۳۸۷). «تبیین تطبیقی اهداف و روش های آموزش فلسفه به کودکان در کشور های مختلف». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- ۴- فیشر، رابرت (۱۳۸۵). آموزش تفکر به کودکان. (مترجم: مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان). اهواز: انتشارات رسش
- ۵- هدایتی، مهرنوش (۱۳۹۶). به کودکان اعتماد کنیم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۶- ناجی، سعید (۱۳۸۷). کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تولید مهارت های درون فردی از طریق مهارت های بین فردی است [۲۳]. و نیز می توان گفت همه ی روش ها قابل استفاده در مدارس متوسطه کشور ما هستند و استفاده از این روش ها می تواند به پیشرفت در یادگیری دانش آموزان بیانجامد. گرچه فلسفه برای کودکان سابقه ای پنجاه ساله دارد و به دنبال مهارت های سطح فکری بالاست اما هنوز نتوانسته است در میان آموزش رسمی جایی برای خود باز کند. این امر با، باز نویسی کتاب های درسی به سبک کاوشگری اجتماعی امکان بهتری را فراهم خواهد ساخت. اجتماع پژوهشی توسط بسیاری از تحقیقات داخلی همچون قانلی [۹]، سعید ناجی [۶]، جعفر چراغیان [۳۸]، واعظ [۳۹]، ایمانی [۳۶]، دهقانی [۳۷] و کریمی [۱۰] مطابقت دارد. و در تمام این پژوهش ها براهمیت و اثر بخشی این برنامه جهانی تأکید شده است. مهم ترین شرط برای اجرایی شدن فلسفه برای نوجوانان در کشور، مهیا کردن بستر مناسب و زیر ساخت آن است. آموزش فلسفه به نوجوانان به چالش هایی از جمله فقدان مربیان آموزش دیده و ماهر برای آموزش فلسفه به نوجوانان، گسست بین ارزش ها و هنجارهای اجتماعی موجود. نقش مبهم معلم در این نوع تربیت، استفاده تند از فلسفه برای تربیت نوجوانان بدون فراهم ساختن زیر ساخت ها و شرایط اجرا، ناآگاهی خانواده از فلسفه تعلیم و تربیت نوجوانان، حدود و ثغور تفکر نقادانه، شاید مهمترین چالش آن در این حوزه مربوط به تغییر دیدگاه و تربیت و آموزش معلم است. پذیرفتن این سبک برای معلمانی که سالیان سال به شیوه سنتی تدریس کرده اند کار بسیار دشواری است. بنابراین در وهله اول باید ذهنیت معلم را نسبت به این مسئله شفاف و روشن ساخت تا نسبت به آن شناخت کافی داشته باشد و آگاهانه مسئولیت اجرای آن را بر عهده بگیرد. سپس باید برای کسب مهارت های لازم و ارتقا دیدگاه معلمان نسبت به روش فلسفیدن با برگزاری دوره های روشمند اقدام کرد. تا با تمرین و ممارست، مهارت های لازم برای تسهیل گری را کسب کنند. از جمله پیشنهاد های کاربردی جهت اجرای برنامه آموزش فلسفه به نوجوانان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- با توجه به اینکه روش اجتماع پژوهشی یا حلقه کندوکاو از بیشترین فراوانی در بین سه رویکرد برخوردار است. لذا توصیه می شود به این روش برای آموزش معلمان و مربیان توجه بیشتری شود. و مربیان را به این روش مسلط شوند. در حلقه کندوکاو فلسفی نوجوانان این امکان را می یابند تا نظرهای خویش را در گروه بیان کنند و، از آن طریق، آنها را محک بزنند. نوجوانان در حلقه کندوکاو می آموزند تا در باب مسائل جدی زندگی بیندیشند آنها همچنین می آموزند تا

- ۷- مرعشی، سید منصور (۱۳۸۵). « آموزش فلسفه به کودکان، پژوهشی در زمینه آموزش تفکر». کنگره ملی علوم انسانی (وضعیت امروز، چشم انداز فردا)
- ۸- جهانی، جعفر. ۱۳۸۰. نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزشی تفکر انتقادی لیپمن. رساله دکتری. دانشگاه تهران
- ۹- قائدی، یحیی. (۱۳۸۳). آموزش فلسفه به کودکان. بررسی مبانی نظری. تهران، نشر دواوین.
- ۱۰- کریمی ساکت، علی (۱۳۸۲). نقد و بررسی دیدگاه‌ها و مبانی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- ۱۱- حسینی، مجتبی و همکاران (۱۳۹۳). بررسی تأثیر روش تدریس کاوشگری علمی بر رشد دانش فرا شناختی دانش آموزان در درس علوم تجربی. فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری. سال اول، شماره ۲ بهار و تابستان ۱۳۹۳
- 12-Daniel, M.F. (1998). " P4c in pre –service teacher education" *Journal of Analytic teaching*, 19(1), 13-20.
- 13- Sprod, T.(1997). " What is a community of inquiry?" *Journal of critical thinking across the diesoline*, 17(1).
- 14- Malmhester, M. (1999). "The 6 Years long Swedish project". Best in the world in thinking, partly presented at the IcpIc congress
- 15-Kennedy, D. (1991). The community of inquiry and educational structure. *Thinking: The Journal of Philosophy for Children*, 9(4), 20-23.
- 16-Prendergast. Aoife (2014). *The Feasibility of Inquiry Based Learning*. By Emerald Group Publishing Limited.
- 17-Sharp, A.M.(1993) *The community of inquiry: Education for Democracy*, in: Lipman (ed.) *Thinking children and Education* (Kendall, Hunt publishing Company), 337 – 345.
- ۱۸- قراملکی، احد فرامرز و آمی، زهرا (۱۳۸۴). مقایسه سبک‌های لیپمن و برنیفیر. فصلنامه پژوهشی اندیشه ی نوین دینی. شماره ۲ پاییز ۸۴. صص ۲۴-۷
- ۱۹- حسینی، افضل السادات و حسینی، سید حسام (۱۳۸۸). بررسی رویکرد‌های مختلف در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نسبت آنها با برنامه درسی رسمی. فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی. دوره ۷، شماره ۲، تابستان ۸۸. صص ۲۹-۱
- ۲۰- جهانی، جعفر (۱۳۸۷). « آموزش تفکر خلاق به نوجوانان». فصلنامه پژوهشی اندیشه ی نوین دینی. دوره ۴، شماره ۳. پاییز ۱۳۸۷
- 21- Pritchard, M (2009), *philosophy for children*, The Stanford Encyclopedia of philosophy
- 22- Lipman, M. (1991) *Tinking in Education*. Newyork: Cambridge University press.
- 23- Lipman, M (2003), *Thinking in Education*, Cambridge university press
- ۲۴- کم، فیلیپ (۱۳۸۷/۱۹۹۳). داستان های فکری (۱) کندو کاو فلسفی برای کودکان. ترجمه احسانه باقری. تهران: انتشارات امیر کبیر
- ۲۵- شریفی اسدی، محمد علی (۱۳۸۷). « نگاهی به آموزش فلسفه برای کودکان در ایران و چالش های فرا روی آن». فصلنامه معارف عقلی. شماره ۱۰. تابستان ۸۷
- ۲۶- بی نا (۱۳۸۵). فلسفه برای کودکان www.p4c.ir
- ۲۷- شارپ، آن مارگارت (۱۳۸۳). فلسفه توانایی پرسیدن سؤال مناسب است. www.mehrnews.com
- ۲۸- ناجی، سعید (۱۳۸۳). « گفتگو با پروفیسور آن مارگارت شارپ، استاد دانشگاه مونکتیور نیوجرسی آمریکا». کتاب کودک و نوجوان. سال هشتم. شماره ۵. صص ۱۹-۱۲
- 29- Montead, andrea (2011) *philosophy for teenagers: finding new relevance in old concepts*
- 30- Cam, Philip (1998). *thinking together (The childrens philosophy seri): hael & -Iremonger, Australia* <http://www.amazon.com>
- 31- cam, Philip (1997). *thinking story 3: philosophical Inquiry for children* <http://www.thinkingschool.co.uk>
- 32- Millett, stephan, Tapper, Alan (2011). *Benefits of collaborative philosophy Inquiry in school*, Center for Applied Ethics and philosophy, curtin university
- ۳۳- نیکنام، مریم (۱۳۹۰). روش های تدریس فلسفه. <http://gfgaz.blogfa.com>
- 34- Brenifier, Oscar (2004). *Philosophy as a practice, Analytic teaching: vol. 25, No 1: 73-95*
- 35- Fisher, R. (1999). *First stories for thinking*, oxford: nash Polloc

۳۶- ایمانی، هما (۱۳۹۱). تبیین همگرایی ها و نا همگرایی های برنامه آموزش فلسفه برای کودکان با نظام آموزش ابتدایی ایران (به منظور افزایش همگرایی های فیما بین). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران مرکز.

۳۷- دهقانی ، علی اکبر(۱۳۹۱). مولفه های نظری آموزش و پرورش برای کودکان دانشگاه پیام نور استان همدان

۳۸- چراغیان ، جعفر (۱۳۹۶). تحلیل مبانی جامعه شناختی برنامه آموزش فلسفه برای کودکانبا تأکید بر رویکردی اسلامی. رساله دکتری. دانشگاه شهید چمران اهواز.

۳۹- واعظ شهرستانی ، زینب. (۱۳۹۲) . نقد و تحلیل برنامه درسی پایه پنجم و ششم فلسفه برای کودکان(داستان هاری استاتلمیر و راهنمای آموزشی تحت عنوان کاوشگری فلسفی) پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران